

## سبک‌شناسی قصاید ادیب‌الممالک فراهانی

### حشمت قیصری

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم پایه، واحد ايرانشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ايرانشهر، ايران.

آذر ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۹۱، صص ۲۴۷-۲۷۳

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.7109

### نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** ادیب‌الممالک فراهانی از شاعران بزرگ دوره مشروطه است که تا کنون قصاید او از دیدگاه سبک‌شناسی مورد پژوهش قرار نگرفته‌اند. هدف از این مقاله بررسی ویژگیهای سبک‌شناسی پنجاه قصیده منتخب از دیوان ادیب‌الممالک فراهانی است که در آن ویژگیهای سبکی قصاید در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی قرار گرفته تا خوانندگان با ساختار شعری و شخصیت ادبی این شاعر بیشتر آشنا شوند.

**روش مطالعه:** در این پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و فیشبرداری و روش تحلیلی-توصیفی به بررسی و تحلیل دقیق پنجاه قصیده منتخب از قصاید ادیب‌الممالک در سه حوزه زبانی، ادبی و فکری پرداخته شده است.

**یافته‌ها:** از جمله ویژگیهای زبانی در قصاید ادیب‌الممالک آن است که آرایه جناس بیشترین سهم را در ایجاد موسیقی درونی دارد. افعال ساده چندین برابر افعال مرکب و پیشوندی هستند. کاربرد لغات و اصطلاحات و افعال کهن و همچنین کاربرد کلمات و ترکیبات عربی از بسامد بسیار زیادی برخوردار است. در حوزه بلاغی بیشترین بسامد را به ترتیب کنایه‌های فعلی، استعاره مکنیه و تشبیهات مرکب تشکیل میدهند و در میان صنایع بدیعی نیز ابتدا تلمیحات تاریخی و سپس تلمیحات دینی و مراعات نظیر بیشترین بسامد را دارند.

**نتیجه‌گیری:** بسامد زیاد لغات و ترکیبات عربی نشان از تسلط و مهارت شاعر در استفاده از متون معتبر عربی و دیوانهای شاعران عرب دوره جاهلیت و همچنین احاطه به امثال و سایر عرب دارد. بسامد افعال ساده در برابر افعال مرکب نشان از آن است که شاعر از افعال ساده بیشتر به منظور بیان صریح افکار و هیجانات درونی خود بهره برده است. بسامد زیاد لغات و اصطلاحات کهن نیز نشانگر علاقه فراوان شاعر به سبک خراسانی میباشد. بزرگترین مضمون موجود در قصاید شاعر، وطن‌دوستی و آگاهی‌بخشی مردم میباشد و بعد از آن مضامین دینی و مذهبی و مسائل تربیتی و اخلاقی در اشعار وی فراوان دیده میشود.

تاریخ دریافت: ۱۸ آذر ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۲۱ دی ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۰۷ بهمن ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۰ اسفند ۱۴۰۱

#### کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی، شعر، ادیب‌الممالک فراهانی، قصیده.

\* نویسنده مسئول:

hgheisari.80@gmail.com

۰۶۳ ۲۷۲۲۱۰۶۳ (۰۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of the poems of Adib al-Mamalek Farahani

H. Gheisari

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Basic Sciences, Iranshahr Branch, Islamic Azad University, Iranshahr, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 09 December 2022

Reviewed: 11 January 2023

Revised: 27 January 2023

Accepted: 11 March 2023

KEYWORDS

Stylistics, poetry, Adib al-Mamalek Farahani, Qaside

\*Corresponding Author

✉ [hgheisari.80@gmail.com](mailto:hgheisari.80@gmail.com)

☎ (+98 ) 37221063

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Adib al-Mamalek Farahani is one of the great poets of the constitutional period, whose poems have not been studied from the point of view of stylistics. The purpose of this article is to examine the stylistic characteristics of 50 selected poems from Farahani's Diwan Adib al-Mamalek, in which the stylistic characteristics of the poems are examined on three levels: linguistic, literary, and intellectual, so that readers can get to know more about the poetic structure and literary personality of this poet.

**METHODOLOGY:** In this research, based on library studies and data collection and using descriptive analytical method, a detailed analysis of the stylistics of 50 selected poems of Adib al-Mamalek in three linguistic, literary, and intellectual fields has been done.

**FINDINGS:** One of the language features in the poems of Adib al-Mamalek is that puns play the greatest role in creating inner music. Simple verbs are many times compound verbs and prefixes. The use of old words and terms and verbs, as well as the use of Arabic words and compounds, have a very high frequency. In the rhetorical domain, the most frequent are current allusions, metaphorical metaphors, and compound similes, and historical allusions, followed by religious allusions and observances, are the most frequent among creative arts.

**CONCLUSION:** The high frequency of Arabic words and compounds shows the mastery and skill of the poet in using authentic Arabic texts and divans of Arab poets of the Jahilit period, as well as her surroundings with Arab proverbs and others. The frequency of simple verbs compared to compound verbs shows that the poet has used more simple verbs to express her inner thoughts and emotions. And the high frequency of old words and terms also shows the great connection of the poet to the Khorasani style. The biggest theme in the poet's poems is patriotism and raising people's awareness, and after that religious themes and educational and moral issues can be seen a lot in her poems.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.7109](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.7109)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 13	 7	 0

## مقدمه

یکی از متداولترین شیوه‌های بررسی زبانی، ادبی و محتوایی آثار ادبی، مطالعات سبک‌شناسانه آن آثار میباشد؛ زیرا از طریق پژوهشهای سبکی است که اثر ادبی بطور دقیق از جنبه‌های ساختاری و محتوایی مورد بررسی قرار میگیرد. در مورد اشعار ادیب‌الممالک فراهانی، که از واپسین نمایندگان دوره بازگشت ادبی میباشد و در انتقال شعر فارسی اواخر دوره قاجاریه به دوره مشروطه نقش پراهمیتی ایفا کرده است، نیز این قاعده صدق میکند؛ بطوری که بدون پژوهشهای سبکی، فهم اشعارش بطور دقیق امکان‌پذیر نخواهد بود و به همین دلیل تحقیق سبک‌شناسانه پیرامون اشعار او ضروری به نظر میرسد. از این رو نگارنده در این پژوهش بر اساس سبک‌شناسی ساختگرا، به بررسی دقیق سبک زبانی، ادبی و فکری در پنجاه قصیده منتخب از دیوان این شاعر پرداخته است.

## سابقه پژوهش

پژوهشهایی که تا کنون پیرامون اشعار ادیب‌الممالک فراهانی صورت گرفته است اغلب حول محور مضامین سیاسی و اجتماعی و دینی بوده است؛ مانند جدیدی و شاهرخی (۱۳۹۵) که در مقاله «بازتاب تاریخ مشروطه در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی» بحث برانگیختن ایرانیان بر ضد دشمنان را مورد مطالعه داده‌اند. شفیع قهفرخی، فاطمی و رحمانی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «درنمایه‌های سیاسی آثار ادیب‌الممالک فراهانی» به بررسی مسائلی همچون تجددخواهی، سیاست و آزادیخواهی پرداخته‌اند. تسلیم جهرمی و طالبیان (۱۳۹۰) در مقاله «مضامین پایداری و بنمایه‌های ادبیات پایداری در اشعار ادیب‌الممالک فراهانی» جلوه‌های ادبیات پایداری در اشعار این شاعر همچون هویت ملی و وطن‌دوستی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. جهانشاهی افشار (۱۳۹۵) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تجلی قرآن کریم در دیوان ادیب‌الممالک فراهانی» به بررسی تأثیر بلاغی قرآن در اشعار شاعر پرداخته است. تا کنون در حوزه تحقیق ساختاری سبک شعری ادیب‌الممالک در قصاید او بصورت کاربردی و تخصصی هیچ پژوهشی صورت نگرفته است.

## بحث و بررسی

میرزا محمدصادق ادیب‌الممالک امیری فراهانی (۱۳۳۵-۱۲۷۷ق) شاعر، روزنامه‌نگار و ادیب برجسته عصر مشروطیت است که در روستای گسازران از توابع اراک در خانواده‌ای عالم و ادب‌پرور دیده به جهان گشود. ادیب از کودکی به آموختن علوم و ادبیات فارسی و تازی و زبانهای اروپایی اشتغال یافت. او علوم ادبی زمان را نزد استادان فن فراگرفت و در زمان خود در پیشه شاعری برجسته بود. وی سرودن شعر را با مدیحه‌گویی و تخلّص «پروانه» آغاز کرد که بعدها مورد توجه امیر نظام گروسی، وزیر فوائد عامه، قرار گرفت و تخلّص خود را به «امیری» تغییر داد. ادیب علاوه بر تسلط بر زبان و ادبیات فارسی و عربی، با زبانهای فرانسه، انگلیسی، ترکی، پهلوی و کلدانی آشنا بود و از علوم نظیر علم رمل، نجوم، و حکمت بهره داشت. «زندگی وی را میتوان به دو بخش پیش از مشروطیت و پس از مشروطیت تقسیم کرد. در دوره اول شاعری است مداح و وابسته به دربار قاجار که کمتر موضوعات اجتماعی، سیاسی و انتقادی در کلامش دیده میشود. زبان وی در قصاید این دوره زبانی فخیم و استوار است که اشعار سبک خراسانی را به یاد می‌آورد؛ اما در دوره دوم با پیدایش انقلاب مشروطه و عمومی شدن ادبیات، شعر وی تحت تأثیر مسائل سیاسی و اجتماعی روز قرار میگیرد و سرشار از مضامین سیاسی، اجتماعی و انتقادی میگردد (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۱۳۷۲).

### سبک‌شناسی پنجاه قصیده منتخب از دیوان ادیب‌الممالک فراهانی

با توجه به طبقه‌بندی شمیسا «سبک دوره بازگشت، اواسط قرن دوازدهم تا پایان قرن سیزدهم و سبک حد واسط یا دوران مشروطیت نیمه اول قرن چهاردهم می‌باشد» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۳). بنابراین با توجه به اینکه ادیب‌الممالک در ۱۲۷۷ شمسی متولد شده و در ۱۳۳۵ شمسی وفات نموده، سبک او حد وسط دوره بازگشت و دوره مشروطه است و طبیعتاً از ویژگیهای شعری هر دو دوره تأثیر پذیرفته است؛ بگونه‌ای که شعرش از لحاظ زبانی و ادبی، بویژه زبانی، به شعر دوره بازگشت تعلق دارد و از نظر مضمون و محتوا در ردیف شاعران مشروطه می‌باشد. ادیب از میان انواع قالبهای شعری، بیش از همه به قصیده و قطعه گرایش نشان داده است؛ زیرا از قصیده برای طرح محور اصلی شعرهایش یعنی بیان مضامین سیاسی و اجتماعی و همچنین مضامین تاریخی، قرآنی و نجومی استفاده می‌کرد.

#### سطح زبانی

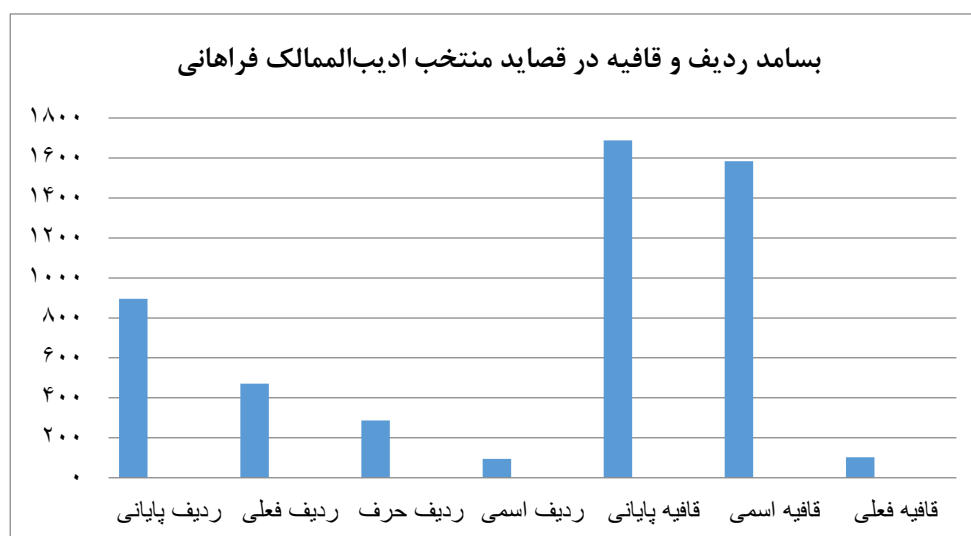
**موسیقی بیرونی:** منظور از موسیقی بیرونی، وزن عروضی شعر است که نقش اساسی در شکلگیری ساختمان شعر و همچنین برانگیختن عواطف و احساسات تخیل‌برانگیز در مخاطب دارد. از میان قصاید منتخب ادیب، بحر مجتث مثنی محذوف (مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن) با سیزده مورد، بسامد بیشتری را نسبت به دیگر بحرهای عروضی دارد. همچنین بحرهای هزج مسدس محذوف (مفاعیلین مفاعیلین فاعولن) شش مورد، هزج مثنی اخرج مکشوف (مفعول مفاعیلین مفاعیلین فاعولن) چهار مورد، بحر منسرح مثنی مطوی منحور (مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فاع) پنج مورد، بحر مضارع مثنی اخرج مکشوف محذوف (مفعول فاعلاتن مفاعیلین فاعولن) هفت مورد، بحر رمل مثنی محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعولن) پنج مورد و بحر رمل مثنی مخبون محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعولن) سه مورد را شامل می‌شوند. در اکثر قصاید ادیب فخامت و سنگینی وزنها دیده می‌شود؛ بگونه‌ای که در بین قصاید منتخب، به ترتیب بحرهای مجتث، منسرح و مضارع بیشترین وزنها را به خود اختصاص داده‌اند.

**موسیقی کناری:** منظور از موسیقی کناری، قافیه و ردیف شعری است. «قافیه باید از همه کلمات شعر محکمتر و استوارتر باشد؛ زیرا پاره‌های شعر را به یکدیگر پیوند میدهد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۸۳). در میان قصاید منتخب ادیب، قصاید مردّف هفده مورد است که از این میان، قصیده‌های با ردیف فعلی یازده مورد و با ردیف اسمی دو مورد می‌باشد. همچنین قصاید با ردیفهای کوتاه یک کلمه‌ای شانزده مورد، با ردیفهای بلند دو تا سه کلمه‌ای یک مورد و با ردیفهای با حرف (را) چهار مورد می‌باشد.

تکرار قافیه نیز در اکثر قصاید ادیب دیده می‌شود که از این میان سی و یک قصیده را به خود اختصاص داده است؛ بعنوان مثال در قصیده چهل و چهارم با مطلع «این نبینی که چو هنگام بهار آید / شاخ خرم شود و غنچه به بار آید»، واژه «بار» چهار مرتبه، واژه «خوار» سه مرتبه و واژه‌های «بهار، سوار، خار، یار و هزار» هر کدام دو مرتبه تکرار شده‌اند. دایره وسیع لغات ذهنی ادیب (مجموعه وسیعی از لغات و ترکیبات فارسی و عربی) به او این امکان را داده است که از عهده سرودن شعر با هر قافیه‌ای برآید. به همین دلیل کاربرد قافیه‌های دشوار در قصاید وی نشان از توانمندی در به‌کارگیری ذهن خلاق برای خلق کلمات ابتکاری و مضامین نو می‌باشد؛ بعنوان مثال قصیده‌ای با روی «جیم» در چهل و یک بیت سروده است که مطلع آن چنین است:

چو شد چهره شاهد صبح ابلج ز خورشید بستند زرینه هودج

(دیوان ادیب‌الممالک فراهانی: ص ۱۹۹).



**موسیقی درونی:** علاوه بر موسیقی بیرونی و کناری، موسیقی درونی نیز، که از تکرار حروف و کلمات به وجود می‌آید، سبب غنای موسیقی شعر میشود. «مجموعهٔ هماهنگی‌هایی که از رهگذر وحدت یا تشابه و تضاد صامت‌ها و مصوت‌ها در کلمات شعر پدید می‌آید جلوه‌های این نوع موسیقی است. اگر بخواهیم انواع شناخته‌شدهٔ آن را نام ببریم، انواع جناسها را باید یادآور شویم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۳۹۲).

**الف) تجنیس:** یکی از توانایی‌های بسیار شگرف ادیب‌الممالک برای تفهیم بیشتر مطالب و افزایش موسیقی کلام، کاربرد فراوان انواع جناس است.

جناس زاید (مذیل):

کجاست آن که زر از گنج ریخت در گنجه؟ کجاست آن که در از روی بست بر دریند؟

(دیوان ادیب‌الممالک فراهانی: ص ۲۰۲)

تا که چو زر زرد شد رنگ رخ یاسمین / صیرفی آسمان سکه به دینار زد (همان: ۲۰۶)

جناس مطرف:

آیت فضل تو را ایزد دادار خواند / رایت حمد تو را احمد مختار زد

(همان: ۲۰۷)

جناس اشتقاق:

رکابش فرا پیشم آورد و گفت / که این است مرکوب و این است منهج

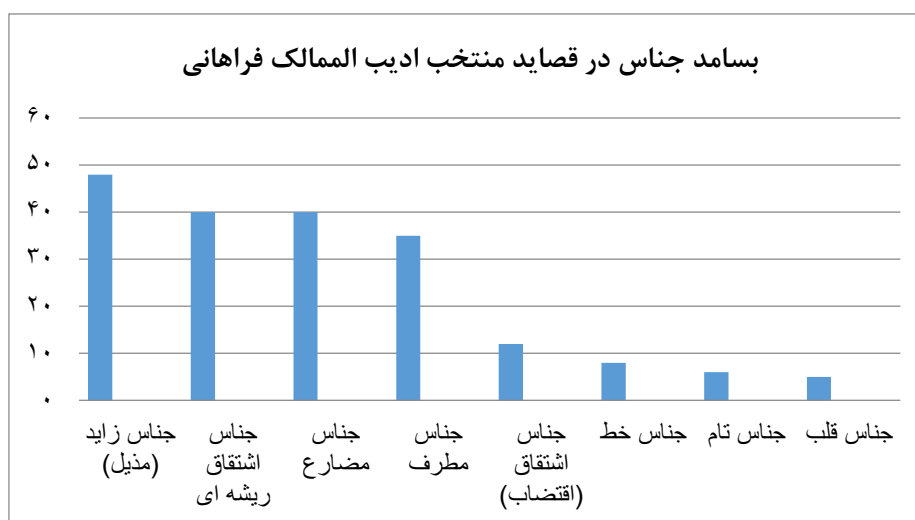
(همان: ۲۰۰)

از علت العلل چه خبر باشد / معلول فوق و علت مادون

(همان: ۱۱۴)

جناس شبه اشتقاق:

علم سقراطی رسد بر <u>شاکران</u> از <u>شوکران</u>	جناس مضارع:
حکمت بقراطی آرد بر فقیران فبقرا (همان: ۱۱۰)	در <u>حسب</u> با خرد و کربز و دانش
در <u>نسب</u> فرخ و فرخنده بهار آید (همان: ۲۲۳)	مصرش گشته <u>خراب</u> نیلش گشته <u>سراب</u>
وز جگر پر ز تاب آه شرربار زد (همان: ۲۰۶)	جناس ناقص:
پس این مطلع سرود از شکرین لب (همان: ۱۳۳)	به <u>شکر</u> میر از لب <u>شکر</u> افشاند
شکست <u>چنگش</u> در <u>چنگ</u> و نایش اندر لب (همان: ۱۵۴)	جناس تام:
هم عیش <u>مهیاشان</u> ، هم نقل <u>مهناست</u> (همان: ۱۹۹)	فتاد زهره ز اورنگ آبنوس به خاک
از <u>اعضب</u> دور باید کرد <u>اعصب</u> (همان: ص ۱۳۶)	جناس خط:
قوای ما همه بيمصرف و <u>عمل</u> بیجاست (همان: ۱۹۳)	تا این شه به سر کشوریان است
وز <u>کاخ</u> تو تا <u>خاک</u> مذلت دو سه گام است (همان: ۱۷۹)	از اثرم فرق باید کرد ائلم
	جناس قلب:
	مسلم است که گر در میانه نبود <u>علم</u>
	از تخت تو تا تختۀ تابوت دو انگشت



ب) **تکرار:** از دیگر ویژگی‌های برجسته شعر ادیب‌الممالک در حوزه موسیقی بیرونی، «تکرار» است که بیشتر بصورت تکرار واج و تکرار واژه مشاهده میشود. شاعر در حقیقت میخواهد با به‌کارگیری آرایه تکرار، بر غنای موسیقی شعر خود بیفزاید.

**تکرار واژه:** تکرار واژه در شعر ادیب بصورت تکریر، طرد و عکس و بویژه تصدیر به کار میرود:  
تکریر:

ولی ز جمع توان خواست هرچه خواهی خواست  
(همان: ص ۱۹۳)

مهلا مهلا نه من حدیدم و خارا  
(همان: ۱۲۵)

شاه شاه است ار بود در شهر یا در روستا  
(همان: ۱۰۷)

ز فرد فرد محال است کارهای بزرگ

چند بر این تن فلک پسندد خواری؟

ماه ماه است ار دمد در دشت یا در بوستان

طرد و عکس:

چگونه داند کار محاکمت پرداخت؟  
(همان: ص ۱۸۴)

پا تا سر فضل و کرم و حکمت و پند  
(همان: ۲۲۰)

نه راست از کژ سازد جدا نه کژ از راست

سر تا پا قرآن و هنر و دانش و هوش

ردالصدر علی العجز:

از دادن مالش به کسان هیچ نه پرواست (همان: ۸۲) <sup>۱</sup>	پروا کند از بردن مال دگران لیک
ز پروانه بر شمعها جانفشانه (همان: ۱۲۳)	فشانم بر او جان چنان چون که دیدی
	رد العجز علی الصدر:
مریض داده مرا وجه و شیر بُد نایاب تو این ضرر زدیم ای پلید خانه‌خراب (همان: ص ۱۷۱)	چو این شنید بزد بانگ کای خبیث لئیم چو شیر یافت نشد، سیم خود ز من بگرفت
	رد الابتدا علی العجز:
پندش گوید نکرد سود بر او پند (همان: ۲۲۵)	بردم دل را بر حکیم که شاید
	رد الصدر علی العروض:
آیت احمد نخواهد شد سرود احما (همان: ۱۰۸)	جعفری تره نخواهد گشت زر جعفری
	رد العروض علی العجز:
عمارتی که ستون است چار ارکان را (همان: ۱۰۰)	ببین ز زلزله کفر منهدم ارکان
	رد العروض علی الابتدا:
که موج جنبش مخصوص بحر طوفانزاست (همان: ۱۹۲)	ز قطره دیده نگر دیده هیچ جنبش موج
همحروفی و همصدایی (واج‌آرایی): واج‌آرایی تکرار یک یا چند صامت یا مصوت در کلمات یک مصراع یا بیت می‌باشد؛ بگونه‌ای که این تکرار، کلام را خوش‌آهنگتر و اثربخشی آن را افزونتر میکند. موسیقی برخاسته از واج‌آرایی صامت‌ها عموماً محسوس‌تر از آن موسیقی است که از واج‌آرایی مصوت‌ها ایجاد میشود. در شعر ادیب نیز تکرار واجها، بخصوص تکرار صامت‌ها بسامد زیادی را به خود اختصاص داده که این امر بر غنای موسیقی اشعارش افزوده است.	
از کف بهل چرا و چه و چون را (همان: ص ۱۱۵)	دامان خاصه‌ای به کف آر آن گه
نه شهر زور بدینسان تباه و نه زور است (همان: ۱۸۰)	ز قول زور شود زورمند زار و زبون

۱. برای دیدن نمونه‌های بیشتر ر.ک. به صفحات: ۲۱۸-۱۹۹-۱۹۸-۱۷۱-۱۶۶-۱۳۶.



**قافیه درونی:** گاه شاعر برای افزایش غنای موسیقی شعر خود، در درون مصراعها نیز قافیه می‌آورد که به آن قافیه درونی گفته میشود. کاربرد قافیه درونی در اشعار ادیب از بسامد بسیار زیادی برخوردار است؛ بطوری که گاه بیشتر ابیات یک قصیده، دارای قافیه درونی میباشد؛ از جمله قصیده هفدهم با عنوان «کنگره آسمان در برج دلو»:

ساخته یکسر نجوم از لهب و از رجوم در فلک خود هجوم بهر ذهاب و ایاب  
(همان: ۱۴۵)

آنچه سرودی یقین هست به صحت قرین لیک شد اندر زمین دعوت ما مستجاب  
(همان: ۱۴۸)

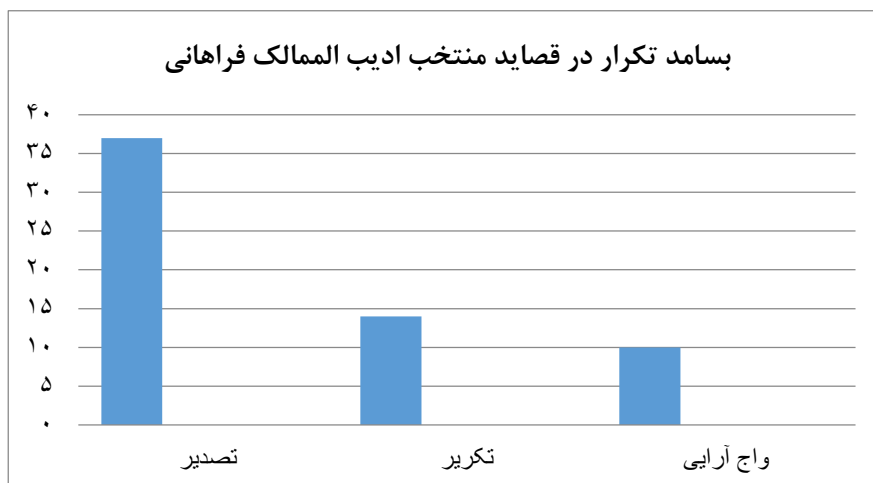
**موازنه:** موازنه نوعی سجع متوازن است که مخصوص به نثر و آخر قریبه‌ها نباشد و آنچنان است که در قریبه‌های نظم یا نثر، از اول تا آخر کلماتی بیاورند که هر کدام با قرینه خود در وزن یکی و در روی مختلف باشند (همایی، ۱۳۹۱: ۵۶).

شکر خوی نیکتان را با مقامی بس شگرف نعت ذات پاکتان را با لسانی بس عجیب  
(همان: ۱۳۹)

هیچ دیدستید نیلوفر بروید از کرفس یا شنیدستید سیسنبر برآید از سداب؟  
(همان: ۱۶۴)

هان و هان فرصت مجو بشکن ز شیر بیشه یشک هان و هان مهلت مده بر کن ز گرگ خیره ناب (همان: ۱۶۶)  
**ترصیح:**

موکبم را در سفر باریک و سخت آمد طریق / حضرتم را در حضر تاریک و تنگ آمد قضا (همان: ص ۱۰۴)  
در حدود خصم قهرش همچو نار اندر حدید / در قلوب خلق مهرش همچو آب اندر قلیب (همان: ۱۳۹)



**سطح لغوی:** «واژه‌ها علاوه بر انتقال معنی و ایده‌ها، حامل نشانه‌های متمایزکننده هستند. شناخت نظام واژه‌گزینی و نوع واژه‌های مسلط بر متن یک ضرورت سبک‌شناسی است. انواع واژه‌ها بر اساس خصوصیات صوری و معنایی

آنها از هم تفکیک میشوند. هر طیف واژگانی تناسب خاصی با نوع اندیشه و سبک دارد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۶). ادیب‌الممالک فراهانی در حوزه لغات یکی از ثروتمندترین سخنوران پشتوانه‌دار زبان فارسی به شمار میرود؛ زیرا اطلاع دقیق و عمیق او از معارف اسلامی، نجوم، تفسیر، کلام، روایات، اساطیر، تاریخ، علوم ادبی و برخی علوم غریبه سبب شده است همه گونه کلمات مورد نیاز خود را از پشتوانه ذهن در دسترس داشته باشد.

کاربرد لغات و افعال کهن: چیره‌دستی ادیب‌الممالک در شعر و مهارتش در زبان فارسی و غنای لغات و ذخیره ذهنی وی به او این امکان را داده است تا هر نوع کلمه و ترکیب و حتی الفاظ مهجور را در شعرش به کار ببرد. در اشعار ادیب و جوه کهن زبانی از بسامد بسیار زیادی برخوردار است؛ بگونه‌ای که در قصاید منتخب (صدوسی‌ونه مورد) افعال کهن و مهجور نظیر «دانستمی / مینستانند / بنیوشد / بنزدایم / هشتم / میتراشید / همی‌گرفتی» به کار رفته است که این امر حاکی از علاقه و تمایل شاعر به سبک خراسانی است.

در هر فن و هر کار همانند سپهر است      جز آنکه نفرماید و ننیوشد جز راست  
(همان: ص ۱۹۱)

بنشنیده باشی که رستم چگونه      پی گرساران بیمود خوانها  
(همان: ص ۱۲۲)

از میان واژه‌های کهن و مهجور که در شعرش استفاده نموده است میتوان از واژه‌هایی همچون «ابرجاست، ایدون و ابا» نام برد.

پیش ما هر کار را پادافره و پاداشی است      در حق کافر عقاب و در حق شاکر ثواب  
(همان: ۱۶۰)

ز اینجا سفری کرد و به بالا شد      ازیراک / با مردم بالاش همی بودی پیوند  
(همان: ۲۲۰)

افعال نیشابوری نیز در اشعار ادیب بسیار استفاده شده است؛ افعالی مانند «دیدستید، شنیدستید، بودستم، گزیدستم، شمردستند».

هیچ دیدستید نیلوفر بروید از کرفس      یا شنیدستید سیسنبر برآید از سداب  
(همان: ۱۶۴)

چو از هنگام خردی تا بدین روز      تو را چون بنده بودستم به موب  
(همان: ۱۳۴)

کاربرد کلمات و ترکیبات عربی: پشتوانه فرهنگی عمیق (سواد عربی و ادبی) ادیب‌الممالک، توانایی او در استفاده از متون معتبر عربی، تسلط وی به دیوانهای شاعران عرب دوره جاهلیت و بعد از اسلام و احاطه‌اش به امثال سائره عرب سبب شده در زبان او ترکیبات عربی فراوان مشاهده شود. بعنوان نمونه از مواردی مانند ابوالایتام / سلاله الانجاب / صفر الخطاب / هذا شیء عجاب و عیادا بالله میتوان نام برد. ادیب همچنین اشعاری را نیز به زبان عربی سروده است و در دیوان اشعار او شش قصیده عربی دیده میشود و گاه نیز در اشعارش لغات غیرمأنوس عربی، اغلب در محل قافیه قرار گرفته است.

ز ماست هرچه بود نقص و هرچه باشد عیب      که فضل و رحمت او لاتعد و لا تحصیست

(همان: ۱۹۴)<sup>۱</sup>

کاربرد لغات فرنگی: آشنایی ادیب به زبان و ادب اروپایی سبب وارد شدن بعضی از افکار و اخلاق فرنگی و حتی واژه‌های بیگانه در شعرش شده و این امر ابهام و دشواری شعر او را افزون ساخته است.

یونان برغم نامه و اشراف ساختند      دیموکرات را و اریستوکرات را

(همان: ۱۲۴)

اونیورسیته و فاکولته در ایران نبد یا رب      کجا تعلیم دادند این گروه دیپلماسی را؟

(همان: ۱۲۷)

کاربرد اصطلاحات نجومی: ادیب به علوم زمان خود از هر نوع و هر صنف آگاهی داشته است. داشتن حافظه قوی به وی قدرت میداده که در اشعار خود از تمام علوم و معلومات خود بهره بگیرد. استفاده از کلمات مربوط به نجوم در قصایدش فراوان مشاهده میشود. کلماتی مانند نسر طائر / برج دلو / مدار ثامن و تاسع / عین الثور، دو پیکر / هفت آباء / بنات النعش از این نوع میباشد.

ولی نداند در دیده عنکبوت و عنب      ز خوشه عنب و عنکبوت اسطرباب

(همان: ۱۷۰)

ز خونم نسر طائر گشت سیراب      به قصدم شیر گردون شد مکلب

(همان: ۱۳۶)

ساخت ترکیبات جدید: یکی از توانمندیها و نوآوریهای ادیب در حوزه لغات، ساخت انواع ترکیبهای اضافی و وصفی نو میباشد که این امر در تکمیل معانی شعری و خلق معانی جدید و همچنین انتقال احساسات و عواطف شاعر به مخاطب نقش بسیار مؤثری دارد. از برخی نوآوریهای او در این زمینه میتوان به این موارد اشاره کرد: بت انگلیسی / عروس ماه‌جبین / نمک‌خوارگی / سپهر چنبری / پیکر کعب‌الغزال / پرده‌نشینان چرخ / ترک شهر آشوب.

شیرین شودت کام که خوالیگر گردون      آراسته خوان تو به حلوی صدارت

(همان: ص ۱۹۸)

کاربرد اعداد: اعداد تکراری در قصاید منتخب شاعر، بسامد زیادی دارد؛ بعنوان نمونه عدد دو (۲۶۸ بار) / عدد یک (۵۰ بار) / عدد هزار (۲۹ بار) / عدد سه (۲۱ بار) / عدد چهار (۱۹ بار) و عدد صد (۱۰ بار) به کار رفته است.

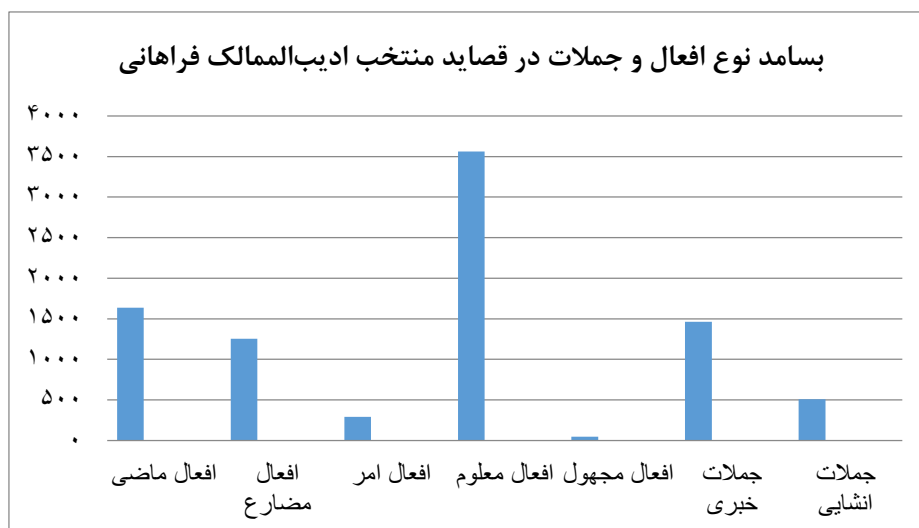
کاربرد افعال ساده در برابر افعال مرکب و پیشوندی: بسامد زیاد افعال ساده با «۲۶۰۳ مورد»، در برابر افعال مرکب با «۹۸ مورد» و افعال پیشوندی با «۱۴۲ مورد» در اشعار ادیب، بیانگر آن است که از افعال ساده بیشتر به منظور انتقال صریح هیجانات درونی خود بهره برده است؛ همچنین کاربرد افعال منفی با «۴۵۴ مورد» نشان از اوضاع غمبار و نابسامان پر از ظلم و بیداد دوره شاعر دارند.

**سطح نحوی:** علم نحو به بررسی چگونگی ترتیب و ترکیب واژه‌ها در ساختار جمله‌ها میپردازد. در این اثر وجوه کهن زبانی بسیار زیاد میباشد که حاکی از علاقه فراوان ادیب‌الممالک به سبک شاعران خراسانی میباشد؛ زیرا وی از احیاگران سبک خراسانی در دوره خود به شمار میرفته است. جملات خبری (۱۴۶۱ مورد)، و جملات انشایی و

۱. برای دیدن نمونه‌های بیشتر ر.ک. به صفحات: ۲۱۲-۱۶۶-۱۳۹-۱۳۵-۱۳۴-۱۳۳-۱۲۳-۱۱۸-۱۱۶-۱۱۰-۱۰۹.

عاطفی (۵۰۷ مورد) به کار رفته است که درصد زیاد جمله‌های خبری نسبت به جمله‌های انشایی، بیانگر آگاهی‌بخشی مردم در دفاع از وطن و نپذیرفتن ظلم و ستم می‌باشد که حجم وسیعی از اشعار ادیب را این مضمون فراگرفته است.

افعال امر (۲۹۱ مورد)، افعال معلوم (۳۵۶۱ مورد) و افعال مجهول (۴۸ مورد) بسامد دارند. بسامد زیاد افعال معلوم نسبت به افعال مجهول نشان می‌دهد که این امر با هدف ایجاد شفافیت در شعر ادیب‌الممالک و کاملاً آگاهانه صورت گرفته است. همچنین افعال ماضی با ۱۶۳۸ مورد (ماضی ساده ۱۳۳۲ مورد، ماضی استمراری ۱۰۱ مورد، ماضی نقلی ۳۰۱ مورد) و افعال مضارع با ۱۲۵۴ مورد (مضارع ساده ۹۲۳ مورد، مضارع اخباری ۷۸ مورد، مضارع التزامی ۱۲۳ مورد) است که درصد فراوانی افعال ماضی نشان از اوضاع غمبار شاعر و پریشانی روزگار و نبود عدالت و راستی در جامعه دارد.



ساختار نحوی جملات: «ساخت اندیشه با نحو پیوند آشکارتری دارد تا با واژه. کیفیت چیدمان کلمه‌ها در جمله، طول جمله‌ها، نوع جمله‌ها، کیفیات وجه و زمان همگی بیانگر نوع اندیشه هستند؛ بنابراین کیفیات روحی و ذهنیات پنهان‌گوینده در عناصر نحوی بیشتر خودنمایی میکند. باید از رهگذر همین عناصر نحوی نشاندار، رد پای سبک و اندیشه و دل‌سپردگی گوینده به موضوعات را دنبال کرد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۶۷). در زبان فارسی محور همنشینی آزاد است و گروه‌های تشکیل‌دهنده جمله در هر جای جمله می‌توانند ذکر شوند؛ اما گاهی شاعر یا نویسنده به اقتضای معنا و افزایش تأثیر کلام، جای ارکان جمله و گروه‌های مسندالیه‌ی و اسنادی را جابجا میکند. شعر ادیب‌الممالک نیز از این قاعده مستثنا نیست و تعدادی از این جابجاییها در عناصر شعری او با قصد زیبایی‌شناسانه رخ داده است. در زیر به مواردی از جابجایی عناصر دستوری در قصاید منتخب شاعر پرداخته میشود:

گاهی در کلام ادیب فعل مقدم شده و بین آن و مسندالیه، عواملی همچون مفعول، مسند، متمم و قید فاصله انداخته‌اند که این امر با هدف تأکید بر فعل و ایجاد قافیه صورت گرفته است:

همین افروخت نار از چهره برجیس چنان زیبانگاری خسته از تب  
(دیوان ادیب‌الممالک فراهانی: ص ۱۳۳)  
گاهی نیز در جمله ابتدا مفعول، مسند، متمم یا قید آورده میشوند و سپس فعل و نهایت نیز مسندالیه / فاعل می‌آید که در اینجا اغلب بر مسندالیه یا فاعل تأکید میشود و مؤخر کردن آن سبب برجستگی آن میشود:  
شامگهی کز افق گشت نهان آفتاب (همان: ۱۴۳)

همچنین کاربرد جملات بصورت فعل مقدم + مسندالیه / فاعل + بقیه گروههای جمله در قصاید منتخب (۱۰۶ مورد) است که این امر اغلب با هدف تأکید بر فعل انجام گرفته است:

بپویند کوران سبیل بصیران بجویند خردان طریق کلانها  
(همان: ص ۱۲۳)  
فاصله اجزای فعل نیز ۳۹ مورد میباشد که این امر معمولاً برای رعایت وزن شعر و نیز ایجاد قافیه صورت گرفته است:

تکیه در ایوان عقل با دل بیدار زد (همان: ۲۰۷)  
از دیگر موارد سطح نحوی جملات در قصاید منتخب ادیب میتوان به موارد ذیل اشاره نمود:  
کاربرد فعل مضارع اخباری همراه با «ب» زینت در اول فعل:

ای ادبا تا به کی معانی بی‌اصل می‌بتراشید ابجد و کلمن را؟  
(همان: ۹۸)  
کاربرد «نه» بجای «ن»:

کور نه بیند عروس ماه‌جبین را (همان: ۹۸)  
رنگ گهر نه بینی خارا را  
طعم رطب نباشد زیتون را  
(همان: ۱۱۶)

مشده آوردن کلمات بخاطر وزن شعر:  
پشیزی نخرم فسونت ور از بر فروخوانی انجیلها و قرآنها  
(همان: ۱۲۲)

چرا برد تنم با ناب منشار چرا سنبد دلم با نوک مثقب؟  
(همان: ص ۱۳۶)  
جهش ضمیر:

ز دل برآمدش آتش ز سر برون شد دود پیام داد به شه کز ملوک درخور نیست  
(همان: ۲۰۹)

ز پولاد بودش به بر پیرهنها ز خورشید بودش به سر سایبانها  
(همان: ۱۲۲)

رای فک اضافه:

مهر تو گردن دل را رام است  
(همان: ۱۸۷)

قهر تو خرمن جان را شرر است

حرف اضافه مضاعف:

در گوش اندرون شده چون گوشواره‌ها  
(همان: ۱۱۷)

این دانه‌های دُر که عروسان چرخ را

تا پس از وی به چمن صلصل و سار آید  
(همان: ۲۲۱)

لاجرم رخت به گاو اندر بنهادش

ضمیر متصل مفعولی:

آن که به دریا در اوفتاده به غرقاب؟  
(همان: ۱۲۹)

گفتمش ای بیخرد چگونه کند جنگ

من آن نبودم کت سال و مه بدم مطلوب  
(همان: ۱۷۴)

تو آن نبودی که روز و شب بدی طالب

### سطح ادبی

مطالعات سطح بلاغی زبان، سهم زیادی در سبک‌شناسی ادبی دارد. شگردهای بلاغی چه لفظی و چه معنایی، در شمار اصلیت‌ترین تمهیدات سبکی هستند. این تمهیدات در گام نخست، جلوه‌های برونه و درونۀ سبک را متمایز میکنند و درون‌نگری و برون‌نگری گوینده را آشکار میکنند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۴۴).  
تشبیه: بررسی این صورت خیالی در قصاید منتخب ادیب‌الممالک نشان میدهد در میان انواع تشبیه، تشبیه مرکب بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است.  
تشبیه بلیغ:

به سنگ غدر شکستند عهد و پیمان را  
(همان: ۹۷)

به تیغ قهر بریدند عقد صحبت را

همدوش تو شد شاهد زیبای صدارت  
(همان: ۱۹۶)

در گوش تو شد پرده زرین سعادت

تشبیه محسوس به محسوس:

شکار مینستاند ز دست ثعلب و سید  
(همان: ۲۱۶)

تو همچو شیر ژبانی که از بلندی طبع

تشبیه معقول به محسوس:

دستور که و شه که و شهزاده کدام است  
(همان: ۱۷۶)

هشدار که صیاد قضا می‌نشاند

پخته نشود هیچ که سودای تو خام است  
(همان: ۱۷۷)

دیگ طمع و حرصت ازین آتش بیداد

تشبیه مرکب:

کابر چون اشتر بگسسته مهار آید  
(همان: ۲۲۲)  
چو شاگردان بر استاد مکتب  
(همان: ۱۳۲)  
چو عقد لالی که در ریسمانها  
(همان: ۱۲۱)

ز هر دو چشم جاری سرشک چون میراب  
(همان: ۱۶۹)

وزان باد صرصر چنان پیلانها  
(همان: ۱۲۰)  
نار هم‌رنگ رخ بهرام است  
(همان: ۱۸۷)  
دیده عقیق یمان و رخ زر سارا  
(همان: ۱۲۶)

روانه همچو پلنگ از کنام و شیر از غاب  
(همان: ۱۷۲)  
چون خلیل الله در آتش یا کلیم الله در آب  
(همان: ۱۶۳)  
همچو سیل از کوهساران یا چو باران از سحاب  
(همان: ۱۵۸)

آهنین کوهم اگر غصه شرار آید  
(همان: ۲۲۴)

آفتابم بلکه گیرد آفتاب از من ضیا  
(همان: ص ۱۰۳)  
از دست و دلش شور و فغان در دل دریاست  
(همان: ۱۹۱)

دیده بگشا و یکی سوی هوا بنگر  
بنات النعش تابان از بر قطب  
شترها روان یک ز دنبال دیگر

تشبیه مفرد به مفرد:

سپس به خاک نهادم به عجز پیشانی

تشبیه مفروق:

دمان ابر تاری چو پیلان جنگی  
سیب مانند کف برجیس است  
لعل چو پیروزه کرده اشک چو مرجان

تشبیه جمع:

ز شهر بیرون دیدم قطیع گاو را  
در میان آن جماعت راند توسن مردوار  
از جوان و پیر و مرد و زن به بازار آمدند

تشبیه مشروط:

آتشین آهم اگر چرخ بود ز آهن

تشبیه تفضیل:

آسمانم بلکه یابد آسمان از من علو  
دریاست همی دست و دلش راست ولیکن

تشبیه تمثیل:

تو نیندیشی اگر خصم فزون باشد باز نهراسد اگر کبک هزار آید  
(همان: ۲۲۳)

ور شما اندر شمر بیشید ما را باک نیست کز هزاران گوسپند ایدون نترسد یک قصاب  
(همان: ۱۶۴)

**کنایه:** ادیب‌الممالک از عنصر کنایه بگونه‌ای بسیار زیبا برای بیان اندیشه و احساسات خود استفاده کرده و با این روش معانی تازه‌ای را در کلامش خلق نموده است. در قصاید منتخب ادیب، این اسلوب هنری در حوزه بیان در مرتبه دوم بعد از تشبیه قرار دارد و در میان انواع کنایه، کنایه ایما‌ی فعلی بتریشین بسامد را به خود اختصاص داده است.

کنایه فعلی ایما:

چرا برای چه در پوستین گاو افتی همی دری به تن بیگناه جرم و اهاب؟  
(همان: ۱۷۳)

بازگردید و مبیذید آب اندر کفچلیز پند گیرید و میمایید با گز ماهتاب  
(همان: ۱۶۰)

آن یکی گفتا که اندر تابم از سوز درون وان دگر گفتا که از درگاه ایزد رخ متاب  
(همان: ۱۵۹)

آستین افشاندم از گرد علایق آشکار تا زدم مردانه بر ملک دو عالم پشت پا  
(همان: ۱۰۴)

**استعاره:** استعاره، که از عناصر مهم زیبایی‌شناسی شعر محسوب میشود، در قصاید منتخب ادیب‌الممالک بعد از تشبیه و کنایه، در مرتبه سوم قرار دارد. در میان انواع استعاره، استعاره مکنیه با ۸۷ مورد، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. شاعر از این صور خیال برای سرودن اشعار سیاسی و بیان حوادث و اتفاقات تاریخ زمان خود و همچنین توصیف استفاده مینماید.

استعاره مصرحه مطلقه:

میرا به مدحتت صدفِ طبعم زاده است این لالی مکنون را  
(همان: ۱۱۶)

دید که مامش گهر ز جزع فشاند پرده گل را همی دریده به عناب  
(همان: ۱۳۱)

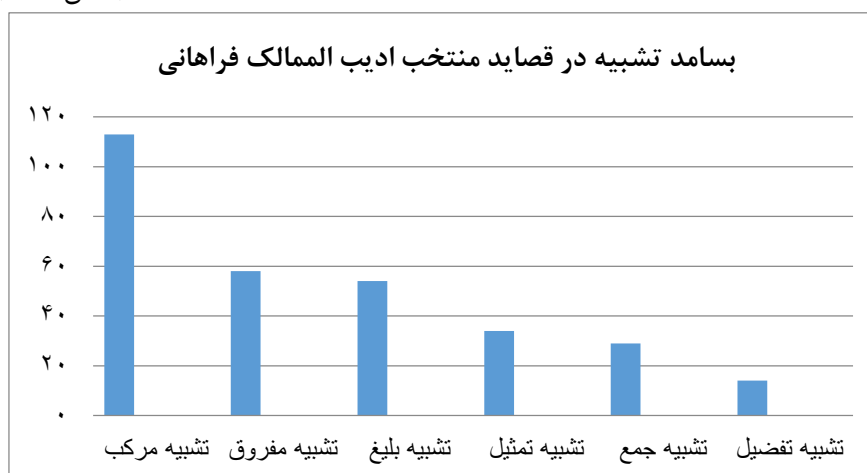
استعاره مصرحه مرشحه:

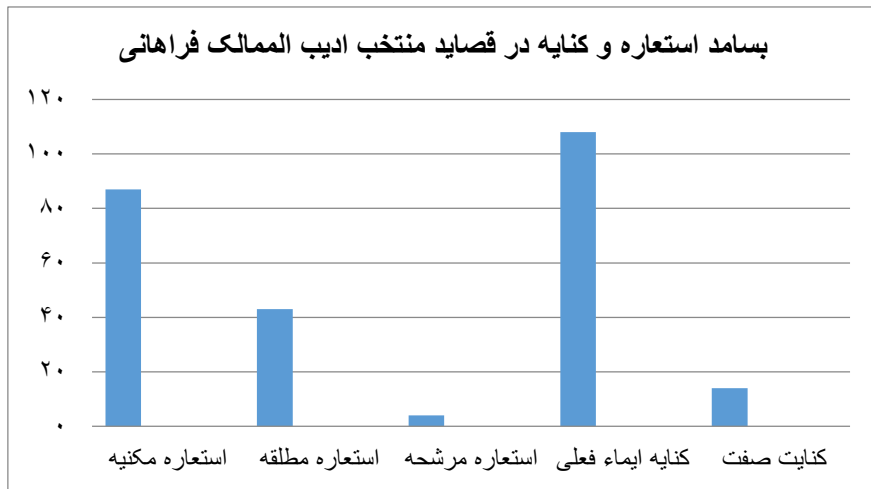
از این دو شاخ بدین خرمی برآید برگ ازین دو باغ بدین تازگی بروید حب  
(همان: ۱۵۵)

بار دیگر برگشود از درج مروارید قفل برفشانند از گوهر آگین لعل تر دُر خوشاب  
(همان: ۱۵۴)



ابر به بالای خاک لؤلؤ تر بیخت	باد فراز زمین عبیر پراکند (همان: ۲۲۹)
استعاره مکنیه دارای تشخیص بصورت اسنادی: تیر چون این برشنید پرده به رخ برکشید	جای تکلم ندید گشت به تندی مجاب (همان: ۱۴۵)
مرغ سحر نیمشب از صف بستان گریخت	ابر سیه بامداد خیمه به گلزار زد (همان: ۲۰۰)
استعاره مکنیه دارای تشخیص بصورت اضافی: تو گفتی مگر شور محشر برآمد	که کر شد همی گوش افغانها (همان: ۱۲۱)
ایا شهی که نظیرت ندیده دیده دهر	مگر به چرخ چهارم مسیح مریم را (همان: ۱۲۰)
روزن گردون شکافت تا مه و خورشید تافت	سر ز گریبان چرخ ثابت و سیار زد (همان: ۲۰۷)





**اقتباس:** در اقتباس شرط است که عین عبارت مورد نظر یا قسمتی از آن که دلیل بر تمام جمله اقتباس شده است ذکر میشود.

ای دریغا کار پیران با جوانان اوفتاد      فأتقوا یا قوم یوما یجعل الولدان شیب  
(همان: ۱۴۱)

مصراع دوم بیت بالا اقتباس است از آیه ۱۷ سوره مبارکه مزمل: «یوم یجعل الولدان شیبا». نامه یزدان به کف بگرفت و گفت ای گمراهان      شرمی از این صحف منزل، خوفی از یوم الحساب  
(همان: ۱۶۲)

ترکیب «یوم الحساب» در مصراع دوم بیت اقتباس است از آیه ۱۶ سوره مبارکه ص: «و قالوا ربنا عجل لنا قطننا قبل یوم الحساب».

ای کتاب الله ناطق دست برکش ز آستین      رایت نصر من الله گیر با فتح قریب  
(همان: ۱۴۲)

عبارت «نصر من الله و فتح قریب» در مصراع دوم اقتباس است از آیه ۱۳ سوره مبارکه صف. **تلمیح:** سرمایه ادیب‌الممالک از ادب و تاریخ و معارف اسلامی و قصص سبب شده است شعرش سرشار از اشارات ادبی و تلمیحات گوناگون باشد. از میان انواع تلمیحات، تلمیح به داستانها و اشخاص در شعرش از بسامد بسیار زیادی برخوردار است و کثرت اشارات و تلمیحات و حوادث دینی و تاریخی و افسانه‌ها یکی از دلایل دشواری شعر وی میباشد.

سفینه نوح آسوده شد ز موج خطر      تن خلیل رها گشت از آتش نمرود  
(همان: ۲۰۳)

گر رستمی به زور و گر فریدونی      بر خود مناز و منگر کایدون را  
(همان: ۱۱۵)

**مراعات نظیر:** کاربرد این آرایه در قصاید منتخب (۵۶ مورد) در رتبه دوم بعد از تلمیح قرار دارد که از این طریق بین اجزای شعر تناسب و هماهنگی برقرار ساخته است. از جمله تناسبهای بسیار زیبایی که بین کلمات در اشعارش ایجاد کرده میتوان به این موارد اشاره نمود: (لعل، پیروزه، مرجان، عقیق، زر) / (کشتی، مسافر، دریا، ناخدا) / (نغمه، سرناچیان، سرنا، سرود) / (محرم، صفر، رجب، شعبان).

تو ابر و باد فراز آری از بخار و دخان      تو رعد و برق فروزی همی ز میغ و سحاب  
(همان: ۱۷۰)  
قطره دیده نگردیده هیچ جنبش موج      که موج جنبش مخصوص بحر طوفانزاست  
(همان: ۱۹۲)

#### لف و نشر:

لف و نشر مرتب:

گوهر و باران و شمس از من تراود چون مراست      بحر در دل، ابر در کف، آسمان اندر قبا  
(همان: ۱۰۲)  
چنانچه شمس و قمر بر مناره‌اش شب و روز      دو مؤذند به وقت طلوع و گاه غروب  
(همان: ۱۷۵)

لف و نشر مشوش:

نه از آن شوری بجز شر مر تو را آمد به کف      نه فروزد زان سنا اندر دلت نور و سنا  
زان سنا باشد وزیران را فروغ اندر چراغ      هم از این شوری و کیلان را نمک در شوربا  
(همان: ۱۱۰)

**شریطه و اعتذار:** رسم شعرا این است که قصاید مدحی را به ابیاتی که مشتمل بر دعای ممدوح باشد ختم کنند. این قسمت از قصیده را شریطه مینامند. شریطه معمولاً بصورت دعای تأبید یعنی متضمن معنی دوام و همیشگی است (همایی، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

الا تا جهان جاودان از تو خرم      بمانی همین جاودان جاودانها  
(دیوان ادیب‌الممالک: ۱۲۴)  
خواهم ز کردگار که تا روز رستخیز      تاجت ز لعل ناب و سریر از ذهب کند  
(همان: ۲۳۱)

#### ارسال المثل:

ما هم از آن دیده بنگریم که ببند / مارگزیده سیه سپید رسن را (همان: ۹۸)

تضاد:

گهی تند راندم گهی نرم و توسن      گهی راست بر زین نشستم گهی کج  
(همان: ۲۰۰)  
با سهیلیم همعنان در گردش بالا و پست      با قریشم همسفر در رحله صیف و شتا  
(همان: ۱۰۲)

بسیار خفته ماندی و نابینا  
بیدار باش و بینا اکنون را  
(همان: ص ۱۱۵)

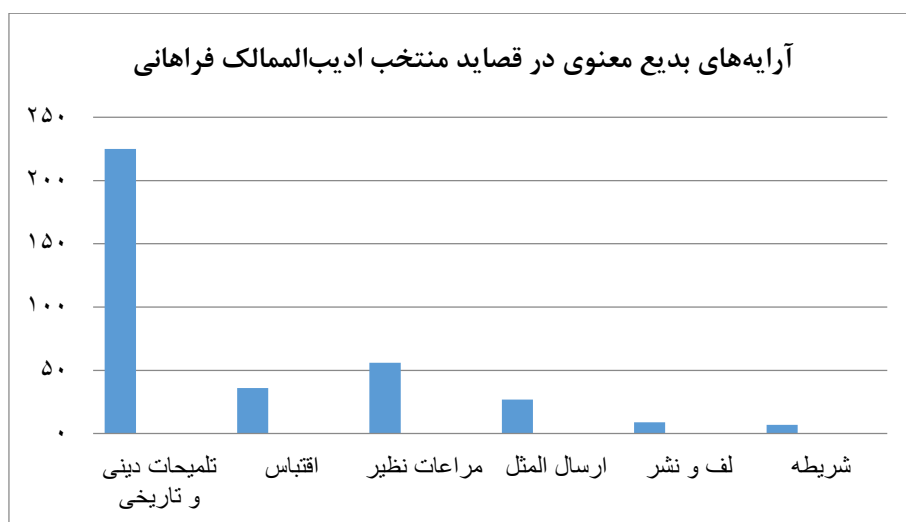
پارادوکس:

تاج فقرم ساخت بر تخت قناعت پادشاه  
آستین افشاندم از گرد علایق آشکار  
(همان: ۱۰۱)

مجمل التفصیل

دو چیز امروز در ایران شمار مرد و زن دیدم  
یکی باطل پرستیدن دوم حق‌ناشناسی  
(همان: ۱۲۸)

که چار چیز ملک را به ملک چیره کند  
یکی سخاوت طبع و دوم اصالت رای  
همش بدارد از هزار گونه گزند  
سوم عدالت و چارم وزیر دانشمند  
(همان: ۲۵۳)



سطح فکری

شعر ادیب‌الممالک فراهانی همچون آینه‌ای تمام‌نما اوضاع اجتماعی و سیاسی کشور در دوره مشروطه را به نمایش می‌گذارد. در شعر ادیب طرح مسائل اجتماعی از جمله مدح وطن و میهن‌پرستی، دعوت مردم به بیداری و تشویق آنها به دفاع از وطن، انتقاد از رؤسای عدلیه وقت، و قانونگرایی مشاهده می‌شود. در عین حال با توجه به اوضاع و احوال جامعه زمان شاعر، بیان مسائل تربیتی و اخلاقی و نکوهش صفات ناپسندی همچون ریاکاری، کبر و غرور، بخل و طمع در اشعار او فراوان به چشم می‌خورد و هر جا لازم دیده از صفات پسندیده اجتماعی مانند قناعت‌ورزی، اعتدال و میانه‌روی، روی آوردن به علم و دانش نیز سخن به میان آورده است. همچنین تعدادی از قصاید شاعر نیز

به بیان مسائل و مباحث دینی و مذهبی و مدح و ستایش بزرگان دین که به نوعی عشق و ارادتش به ائمه اطهار (ع) میباشد اختصاص داده شده است.

قبل از آنکه به بیان مصادیق شعر ادیب از لحاظ فکری پرداخته شود، لازم است ابتدا درخصوص دو مبحث تأثیرپذیری و تأثیرگذاری و نقاط قوت و ضعف شعر ادیب نیز توضیحاتی داده شود.

### تأثیرپذیری و تأثیرگذاری ادیب

ادیب‌الممالک از جمله شاعرانی است که به سنتهای شاعران گذشته کاملاً پایبند است. او در سرودن قصاید به عنصری، منوچهری، ناصر خسرو، انوری، خاقانی و سعدی توجه دارد؛ اما انس و علاقه وی به اشعار انوری، بیش از هر شاعر دیگری است و این علاقه در قصاید او، بسیار تأثیر گذاشته است. ادیب در اشعارش از زبان و ادبیات عربی بشدت تأثیر پذیرفته است و تسلط و آگاهی او در زمینه علم انساب و تاریخ عربی و فارسی سبب شده بوفور در اشعارش از زبان و ادب عربی استفاده نماید. در تأثیرپذیری از قرآن کریم، در بعضی موارد به کلماتی از آیات اشاره کرده؛ ولی در اکثر موارد قسمت بیشتر آیه یا تمام آیه را به شیوه‌های وامگیری واژگانی و اقتباس، تلمیح، حل، ترجمه، تأثیرپذیری تصویری، اشاره برای پند و اندرز، مقایسه و مثال استفاده نموده است.

رویش در پرده بود تا دم موسای عقل      آرنی أنظر ألیک از پی دیدار زد

(دیوان ادیب‌الممالک فراهانی، ص ۲۲۰)

رحمة للعالمین را دست شد در آستین      وان عصای آسمانفرسا به خاک اندر فکند

(همان: ۲۵۰)

تأثیرپذیری ادیب از اوضاع اجتماعی زمان خود نیز درخور توجه میباشد. بیشتر سروده‌های ادیب تحت تأثیر اوضاع زمان او سروده شده است. اشعار وی در زمینه وطنیات، سیاسیات، اجتماعیات، و آوردن تمثیلهایی که در آن نظر انتقادی و اصلاحی است کاملاً مشهور است. از لحاظ تأثیرپذیری از زبان و فرهنگ عامه نیز باید گفت گرچه ادیب‌الممالک سخت پایبند لغات و ترکیبات اصیل ادبی میباشد، تحت تأثیر یکی از روندهای شعر دوران مشروطه، یعنی نزدیک شدن زبان شعر به زبان و فرهنگ عامه، نیز قرار گرفته است. در نتیجه اصطلاحات و لغات محاوره‌ای بسیار زیادی به اشعار وی راه یافته است؛ بعنوان مثال در دیوان او واژه‌ها و ترکیباتی نظیر صد من دو غاز، نر، ریقماسی، سرفیدن به معنی رشوه دادن و پنبه کسی را زدن دیده میشود، اما کاربرد این همه لغات و اصطلاحات عامیانه بر لحن ادیبانه او تأثیری نگذاشته است.

تأثیر فرهنگ و تمدن غرب نیز به نوبه خود در نوشته‌های ادیب به چشم میخورد. ادیب در عصری زندگی میکرد که بیش از یک دهه از رواج اندیشه تجدد در ایران میگذشت. در نتیجه بسیاری از مظاهر فرهنگ و تمدن جدید غرب به ایران وارد شده بود و ادیب‌الممالک به بازتاب این اندیشه‌ها در شعرها و مقالات خود پرداخت که تأثیر بسیار زیادی در آگاهی بخشیدن به ایرانیان اواخر دوره قاجار درباره تفکرات غرب همچون آزادی، دموکراسی، و مبارزه با استبداد داشت. وی در پی مطالعه برخی آثار نویسندگان اروپایی، با ادبیات و فرهنگ غربی آشنا شد. تا حدی زبان فرانسه را آموخت و لغات و ترکیبات فرانسه مانند اونیورسیتته، فاکولته، راپورت و کمیساریا نیز در اشعارش به کار برد.

اما در خصوص تأثیرگذاری ادیب‌الممالک باید گفت کارنامه فعالیت‌های وی نشان میدهد در دوره بزرگی از تاریخ ایران، هنر و علم خود را صرف مبارزه با ظلم و ستم کرده است. انقلاب مشروطه همه چیز را در جامعه از جمله

شعر فارسی تحت تأثیر خود قرار داد. شاعران دورهٔ مشروطه، از جمله ادیب‌الممالک فراهانی، به حوادث مربوط به دیگر کشورهای جهان نیز آگاه بودند و جهان‌بینی آنها نیز با توجه به این آگاهیها شکل میگرفت. این امر انگیزه‌ای برای آگاهی‌بخشی مردم ایران و عبرت‌پذیری از اینگونه حوادث میشده است؛ از جمله پس از شکستهای ایرانیان از روسها و امضای قراردادهای ننگین، اینگونه القا شده بود که روس شکست‌ناپذیر است که ناگهان این کشور در جنگ با ژاپن شکست خورد و ابهت آن در هم شکست و این موضوع دستاویزی برای تشویق ایرانیان وطن‌پرست و پاسخ به این القای نادرست در شعر ادیب‌الممالک گردید:

حدیث ژاپن بگوی و میکادو  
سزاست آنکه به مردانگی و غیرت و علم  
چه شد که این پسر نورسیدهٔ شرق  
علم شوند که امروزه دستشان بالاست  
به شرق و غرب لوایش بلند و دست رساست  
(همان، ص ۱۹۵)

ادیب‌الممالک در این قصیدهٔ طولانی، که به مناسبت «جنگ روس و ژاپن و غلبهٔ ژاپنیها بر روسها» و بصورت ضمنی در تهییج مردم ایران سروده، نقش ارزنده‌ای در اتحاد اجتماعی ایفا نموده است:

غرض ز انجمن و اجتماع جمع قواست  
چراکه قطره چو شد متصل به هم، دریاست  
ز قطره هیچ نیاید ولی چو دریا گشت  
هر آنچه نفع تصور کنی در او گنجاست  
(همان: ۱۹۳)

«نشر جراید» نیز نقش بسیار برجسته‌ای در آگاهی و بیداری جامعهٔ ایران در سالهای منتهی به مشروطه و پس از آن ایفا مینمود. ادیب‌الممالک فراهانی ضمن سردبیری روزنامهٔ مجلس، با روزنامه‌های ایران سلطانی، ارشاد ترکی، هفته‌نامهٔ ادب در تبریز، مشهد، تهران و عراق عجم همکاری داشته و اشعار و مقالات خود را در آنها چاپ میکرده است:

جراید در ستون خویش گنجانیده از هر سو  
هجاهای جریری هزلهای بونواسی را  
(همان: ۱۲۹)

### نقاط ضعف و قوت شعر ادیب

مدح و ستایش شاهان و دیگر ارباب قدرت، از مضامین اصلی و مهم بسیاری از شاعران قدیم بوده است. ادیب‌الممالک نیز در اشعار مدحی خود تحت تأثیر چنین سنتی، در ستایش شاهان و امیرانی غالباً نالایق شعر سروده است. گرچه ادیب در چند جا از شیوهٔ شاعری پیشینیان انتقاد میکند، اما از وسوسهٔ اینگونه مداحیها دور نمیماند؛ زیرا وی از چشمهٔ سرشار شعر و ادب کهن پارسی سیراب شده است؛ از این رو وقتی شاعری را در پیش گرفت، همان سنت کهن را دنبال نمود. کاربرد کلمات و ترکیبات پیچیده و غالباً نامأنوس عربی و فارسی کهن در شعر ادیب فراوان به چشم میخورد. تسلط کم‌نظیرش بر ادبیات عربی و فارسی و تاریخ عرب و عجم و احاطه‌اش بر بسیاری از معارف ایرانی اسلامی، سبب کاربرد لغات و اصطلاحات مهجور در شعرش شده که در بسیاری موارد فهم شعر او را دشوار ساخته است؛ بعنوان مثال میتوان به واژگان تصدیه، مُکا، یعوب، ابناء الدهالیز، شمعون الصفا، شجن، خضم، رَحی، مسخون، آهون، برهون، کعاب، ترائب، اتراب، فرتور، فرتاب، و ارحاب در شعرش اشاره نمود. یکی دیگر از مشکلات شعر ادیب‌الممالک، کاربرد لغات دساتیری است. «دساتیر کتابی است که در عصر صفویه توسط پیروان آذرکیوان (یکی از روحانیون بزرگ زردشتی ملقب به «ذوالعلوم»، و مؤسس فرقه‌ای مذهبی که

ترکیبی از ادیبان زردشتی، برهمنی و مسیحی است) تألیف شده و شامل شانزده کتاب است. این کتابها به زبان خاص و مجعول تألیف یافته و ترجمه فارسی نیز همراه آنها آمده و این ترجمه را مؤلف به «ساسان پنجم» نسبت داده است! لغات دساتیر که ساخته و پرداخته پیروان آذرکیوان است و در فرهنگهای فارسی از برهان قاطع تا *انجمن‌آرای ناصری* وارد شده، در نثر و نظم فارسی قرن اخیر نیز راه یافته است.<sup>۱</sup> برخی شعرهای ادیب‌الممالک که کوشیده است لغات دساتیری را در آنها به کار ببرد، چندان بیروح و خشک از کار درآمده‌اند که خواننده از ذوق یک شاعر، آن هم به استواری ادیب‌الممالک، هرگز انتظار ندارد.

کاربرد اسمهای علم از قبیل نام اشخاص، اقوام و رویدادهای تاریخی مشهور و غیرمشهور و اسامی جغرافیایی هم سبب پیچیدگی و دشوار بودن شعر ادیب شده است؛ بگونه‌ای که تا کسی به اعلام قرآنی و تاریخ و انساب عرب و عجم آگاهی وسیع نداشته باشد، بسیاری از این اسمهای خاص برای او مبهم خواهد بود؛ مانند زرقاء، خرقاء، مرغ عیسی، حصن عادیاء، قاضی سدوم و واصل بن عطاء، واقعه داحس و غبراء، سواران کِنده، نوندان مذحج، ورود عراده به زحلوه، داستان نعج و نجاج و داوود.

استفاده از دانشها و علوم گوناگون نیز از عوامل پیچیدگی بخش قابل ملاحظه‌ای از اشعار ادیب‌الممالک شده است؛ از جمله بهره گرفتن از علم صرف و نحو عربی، عروض، موسیقی، نجوم، کف‌شناسی، نرد و شطرنج که بعنوان مثال کاربرد اصطلاحات نجومی برای کسانی که مطالعه‌ای در علم هیئت نداشته باشند بسیار دشوار و ملال‌آور است. اما به رغم تمامی ریشه‌هایی که ادیب‌الممالک در گذشته دارد و شعر خود را صرف مدح و وصفهای اغراق‌آمیز و بیان مضامین تکراری میکند، این کار او گویی گذرا بود؛ زیرا از اشارات پراکنده‌ای که حتی از لابلای همان مدحها به چشم می‌خورد، برمی‌آید که وی گرایشی به آوردن شیوه‌ای نو در شعر دارد و در قطعه‌ای مفصل می‌گوید:

این حرفهای کهنه‌پرستان فکن به دور / نو شد اساس صحبت، نو باید ای ولد

این فرصت و مجال نوپردازی در شعر با تحولاتی تدریجی که در جامعه آن روزگار ایران رخ داد و کم‌کم به جنبش مشروطه‌طلبی و تأسیس مجلس شورای ملی انجامید فراهم آمد. ادیب از این زمان به مسیر تازه‌ای افتاد که در واقع سازنده و مقدمه دوره دوم حیات شاعری او بود. همین تحول ادیب را در مقام یکی از شاخصترین شعرای دوره انتقال قرار داد.

استواری سخن نیز از نقاط قوت شعر شاعر محسوب میشود. این امر به سبب اعتقاد و گرایش شدیدی است که ادیب به کلام فاخر و استوار داشت. ادیب‌الممالک بیشتر ادیبانه سروده تا شاعرانه. استواری کلام، او را بیش از غنای درونمایه خشنود میکرد. از لحاظ پردازشهای صوری و آرایشهای لفظی، ادیب‌الممالک به سبک خاقانی شروانی نزدیک میشود، منتهی در مضمون‌سازی و آفرینشهای محتوایی نازک‌خیالی او را ندارد. به همین سبب در اشعار او ابیات سست و ضعیف بندرت پیدا میشود. آنچه هم از اشعار او ضعیف و عاری از جزالت مینماید چنانچه خوب در آن دقت شود، اساساً نه به علت ضعف بیان، بلکه به سبب اصرار شاعر در کاربرد کلمات و ترکیبات ناآشنا و گاه ناهموار یا درج مضامین خشک و بیروح است. همچنین کاربرد اصطلاحات علمی در خدمت شگردهای ادبی، بویژه تمثیلهای فراوان به منظور خلق اشعار بدیع سیاسی اجتماعی، میتواند بعنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سبک ادیب‌الممالک فراهانی در نظر گرفته شود.

مصادیق شعر ادیب از لحاظ نوع اندیشه و تفکر عبارتند از:

<sup>۱</sup>. از محمد معین، فرهنگ معین، ذیل واژه دساتیر. نیز: مقدمه برهان قاطع، ص ۱۲۹ به نقل از کتاب زندگی و اشعار ادیب نیشابوری، به کوشش یدالله جلالی پندری، تهران، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۶۷، ص ۸۳.

**وطن‌دوستی و میهن‌پرستی:** ادیب جزو نخستین گویندگان معاصری است که در زمینه وطن و مسائل سیاسی و اجتماعی اشعار بسیار ارزشمندی سروده است. میهن‌پرستی و دفاع از حریم وطن در برابر ستمگران و دشمنان بیگانه از مهمترین درونمایه‌های شعر وی به شمار می‌رود:

مادر توست این وطن که در طلبش خصم  
تا ز بر خاکی ای درخت برومند  
نار تناول به خاندان تو افکند  
مگسل از این آب و خاک رشته و پیوند  
(همان: ص ۱۶۹)

#### آگاهی‌بخشی مردم برای دفاع از وطن:

مرد وطن را چنان عزیز شمرد  
مرد وطن را چنان ز صدق پرستد  
با دل و جان که شیرخواره لبین را  
فاش و هویدا که بت‌پرست وثن را  
(همان: ۱۰۵)

دانی که حفظ دین و وطن بهر مرد حق  
بگسل ز خصم و دست به دامان دوست زن  
فرض است آنچنان که طهارت و صلوات را  
خواهی اگر ز ورطه طریق نجات را  
(همان: ۱۲۵)

#### نکوهش رؤسای عدلیه وقت:

فضا و ساحت عدلیه یا رب از چپ و راست  
کسی که باده نداند ز ماده، بکر از تاک  
تهی ز مردم دیندار و دینپرست چراست؟  
چگونه داند کار محاکمه پرداخت  
(همان: ۱۸۰)

نه راست از کژ سازند جدا نه کژ از راست  
چه سان تواند گلزار معدلت پیراست؟  
(همان: ۱۸۱)

**مضامین اخلاقی:** نکته قابل توجه در اشعار ادیب‌الممالک، ذکر مسائل تربیتی و اخلاقی است که او را در مسلک یک سعدی جدید متجلی می‌سازد. در دیوان او مضامینی چون نکوهش ریاکاری، غرور، اسراف و بخل، آز و طمع و قناعت‌ورزی و ستایش علم و دانش بوفور یافت می‌شود:

فروکش از دل سختش درخت نخوت را  
برون کن از سر و مغزش غرور درهم را  
جز این دو کس نیابد از این درد گوشمال  
اسراف و بخل هر دو قبیحند و اقتصاد  
(همان: ۱۱۹)

تا به دارالملک عزلت گشته‌ام فرمانروا  
تاج فقرم ساخت بر بخت قناعت پادشاه  
(همان: ص ۱۰۹)

ستایش علم و دانش و جهل‌ستیزی در اشعار ادیب بسیار به کار رفته است که این امر علاوه بر اینکه نشانگر توجه شاعر به علم و دانش می‌باشد، می‌تواند محرک خوبی برای آگاهی‌بخشی مردم به شمار رود.



بپویند کوران سبیل بصیران بجویند خردان طریق کلانها  
ندانی که دانش‌پژوهان گیتی ز دانا بجویند هر سو نشانها  
(همان: ۱۲۲)

**مضامین دینی و مذهبی:** شعر ادیب‌الممالک سرشار از مضامین اعتقادی و باورهای دینی است. تضمین و اقتباس مضامین قرآنی، تلمیح به داستانهای قرآنی و بهره‌گیری از احادیث و روایاتف بخش گسترده‌ای از شعر این شاعر را به خود اختصاص داده است.

مدح امام زمان (عج):

قائم آل محمد که در اقلیم شهود وارث مسند و تاج علی عمران است  
شرف شاه زنان مادر سجاد از اوست زانکه او را شرف از نسل شه مردان است  
(همان: ۱۹۶)

مدح حضرت علی (ع):

بسی جستم نشان از اسم اعظم که بد نقش نگین خاتم جم  
همه اقطار عالم سیر کردم مگر جویم نشان زان نقش خاتم...  
پس از احمد، علی را گشت میراث که بودش نایب و صهر و پسرعم  
(همان: ۲۴۷)

گر ز مصحف آیه لَمَّا تجلی ربه خوانده‌ای تا آیه لَمَّا افاق ای آفتاب  
(همان: ۱۵۲)

**آداب و رسوم:** نگاه دقیق شاعر به آداب و رسوم و سنتها و مناسک اجتماعی از جمله جشن سده، جشن نوروز، جشن مهرگان و همچنین باورها و عقاید عامیانه همچون جناغ<sup>۱</sup> شکستن نیز درخور توجه میباشد:

جشن سده و شاه فریدون بر این جشن وین شاه همایون چو یکی جو بر دریاست  
(همان: ۱۸۹)

مگر که شیر مرا خود خریده‌ای به سلف و یا من و تو به هم بشکسته‌ایم جناغ را  
(همان: ۷۸)

### نتیجه‌گیری

ادیب‌الممالک فراهانی از شاعران ممتاز دوره بازگشت ادبی و از احیاگران سبک خراسانی در قرن چهاردهم هجری است. از بررسی سبکی قصاید منتخب شاعر میتوان به این نتیجه رسید که جناس و تکرار بیشترین سهم را در ایجاد موسیقی درونی در قصاید او دارند. در حوزه موسیقی بیرونی، در میان بحرهای عروضی، بحر رمل بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است، قافیه‌های اسمی نیز بیش از پانزده برابر قافیه‌های فعلی هستند. در حوزه صرفی، افعال ساده چندین برابر افعال مرکبند که این امر در جهت انتقال صریح هیجانات روحی شاعر انجام شده است. بسامد افعال منفی نیز از اوضاع نابسامان و پر از ظلم و بیداد زمان شاعر حکایت میکند. همچنین بسامد

<sup>۱</sup>. جناب یا جناغ شرط یا گروهی میباشد که دو کس باهم بندند. قماربازی. (فرهنگ معین)

بسیار زیاد افعال معلوم نسبت به افعال مجهول نیز در جهت ایجاد شفاف‌سازی صورت گرفته است. بسامد لغات، ترکیبات و افعال کهن بیانگر مهارت و چیره‌دستی شاعر در زبان فارسی و همچنین علاقه وافر وی به سبک شاعران خراسانی می‌باشد. در حوزه بلاغی بیشترین بسامد را بترتیب کنایه‌های فعلی، استعاره مکنیه و تشبیهات مرکب تشکیل می‌دهند و از بین صنایع بدیعی نیز تلمیح و مراعات نظیر بیشترین بسامد را دارند. در سطح فکری بزرگترین مضمون موجود در قصاید وطنیات، سیاسیات و اجتماعیات است و میهن‌پرستی و دفاع از حریم وطن در برابر بیگانگان و آگاهی‌بخشی مردم در دفاع از وطن مهمترین درونمایه‌های شعری ادیب به شمار می‌روند؛ همچنین ادیب از مضامین دینی و مذهبی و نیز مسائل تربیتی و اخلاقی در اشعارش فراوان استفاده نموده است.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

### REFERENCES

- Adib al-Mamalek Farahani, Mohammad Sadeq ibn Hossein. (1976). A collection of poems, by Ahmad Ranjbar. Tehran: Zavvar.
- Adib al-Mamalek Farahani, Mohammad Sadeq ibn Hossein. (1999). Divan, with correction and introduction by Mojtaba Borzabadi Farahani, Tehran: Ferdous.
- Adib al-Mamalek Farahani, Muhammad Sadeq ibn Hossein. (1933). Divan, with corrections and margins by Vahid Dastgerdi, Tehran: Armaghan.
- Arianpour, Yahya. (1993). From Saba to Nima, Tehran: Agah.
- Fotuhi, Mahmoud. (2011). Stylology, theories, approaches and methods, Tehran: Sokhan.
- Homaei, Jalaluddin. (2012). Rhetoric techniques and literary industry, Tehran: Homa.
- Shafii Kadkani, Mohammad Reza. (1993). Imaginary images in Persian poetry, Tehran: Agah.
- Shafii Kadkani, Mohammad Reza. (1994). Poetry Music, Tehran: Agah.
- Shamisa, Siroos. (1992). Bayan, Tehran: Ferdous.
- Shamisa, Siroos. (1996). Poetry stylistics, Tehran: Ferdous.
- Shamisa, Siroos. (2008). A new look at Badie, Tehran: Agah.
- Va'ez Kashefi, Mirza Hossein. (1990). Innovations of thought and poetry, edited by Mirjalaluddin Kezazi, Tehran: Center Publishing.
- Yousefi, Gholamhossein. (1992). Cheshme Roshan, Tehran: Elmi.

### فهرست منابع فارسی

آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۲) از صبا تا نیما، تهران: آگاه.

- ادیب‌الممالک فراهانی، محمدصادق بن حسین (۱۳۱۲). دیوان، با تصحیح و حواشی وحید دستگردی، تهران: ارمغان.
- ادیب‌الممالک فراهانی، محمدبن حسین. (۱۳۵۵) گزیده اشعار، به کوشش احمد رنجبر. تهران: زوار.
- ادیب‌الممالک فراهانی، محمدصادق بن حسین. (۱۳۷۸) دیوان، با تصحیح و مقدمه مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران: فردوس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۳). موسیقی شعر، تهران: آگه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۲). بیان، تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۵). سبک‌شناسی شعر، تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱). نگاهی تازه به بدیع، تهران: آگه.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها، تهران: سخن.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۹۱). فنون بلاغت و صناعت ادبی، تهران: هما.
- واعظی کاشفی، میرزا حسین (۱۳۶۹). بدایع الافکار و صنایع الاشعار، ویراسته میرجلال‌الدین کزازی، تهران: نشر مرکز.
- یوسفی، غلامحسین، (۱۳۷۱) چشمه روشن، تهران: علمی.

#### معرفی نویسنده

حشمت قیصری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم پایه، واحد ایرانشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایرانشهر، ایران.  
(Email: [hgheisari.80@gmail.com](mailto:hgheisari.80@gmail.com))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the author

**Heshmat Gheisari:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Basic Sciences, Iranshahr Branch, Islamic Azad University, Iranshahr, Iran.  
(Email: [hgheisari.80@gmail.com](mailto:hgheisari.80@gmail.com))